راه‌گشا بودن کلمات معصومین در مباحث علمی

(38:10)

یادم هست؛ جریانی مفصل شد؛ با یک آقایی در مسیر مسافرت می‌آمدیم. به اینجا رسید، در وقت پیاده شدن روحیه او طوری برگشته بود که به من گفت وقتی حرم می‌روی سلام من را به حضرت معصومه برسان. مطلب تا آن جا رسید. خیلی جالب است.

شاگرد: آتئیست بود؟

استاد: نه، ولی یک روحیات خاصی داشت. مطلبی که می‌خواستم عرض کنم این بود...؛ رشته اشان اصلاح نژاد گوسفند بود. ژنتیک بود. می‌گفت طبق این رشته‌ای که من دارم کل بشر را در نصف قرص آسپیریم می‌کنم! جملات او را می‌گویم. می‌گفت چشمان من را ببندی و از هر کجای ایران گوسفند بیاوری. من با چشم بسته دست روی گوسفند می‌کشم و می‌گویم گوسفند فلان شهر است. ادعای بزرگی بود. یعنی من این جور کار کرده‌ام. می‌گفت رشته من اصلاح نژاد گوسفند است. می‌گفت سی سال زحمت کشیده‌ام و چقدر نوشته دارم. وقتی سر نژاد و ژن بحث شد، من یک حدیث برایش خواندم. الآن هم عقیده من این است. گاهی یک نصف سطر در بحارالانوار، حدیثی هم که ما می‌گوییم سندش ضعیف است، نصف سطر پیدا می‌شود که یک زمانی برای عده‌ای به‌آور می‌شود. ما الآن به‌راحتی از کنارش در می‌شویم. اما یک زمانی به‌آور می‌شود. آن وقت من برای ایشان یک حدیث را خواندم. گفتم از محضر امام علیه‌السلام سؤال کردند؛ گفت پدر و مادر هر دو سفید پوست هستند ولی بچه سیاه به دنیا آمده است. این ممکن هست یا نه؟ خب همه شک می‌کنند! حضرت فرمودند می‌شود. چون وقتی هر جنینی می‌خواهد در شکم مادر با خصوصیاتش شکل بگیرد، خدای متعال ملکی را به آن جا می‌فرستد و تمام صور آباء او تا حضرت آدم را در آنجا حاضر می‌کند، این جنین را طبق یکی از آن صورتها شکل می‌دهد. ببینید با اطلاعات امروزی ژن و نظم و وراثت و اللهایی که می‌گویند، جور در می‌آید. خب امام علیه‌السلام مسأله وراثت را چطور بگویند؟! کمون همه اوصاف سلسله در آن هست. حضرت فرمودند می‌شود. ملک تمام صورتها را حاضر می‌کند و این را طبق یکی از آنها شکل می‌دهد. لازم نکرده حتماً طبق این پدر و مادر باشد. وقتی من این را گفتم او هم چیزی نگفت. سکوتش علامت تأیید بود. نظیر این خیلی است.

من مکرر عرض کردم؛ آن آقا می‌فرمود در جمع خانوادگی نشسته بودیم و داشتیم باقلا می‌خوردیم. می‌گفت من یک حدیث خواندم. احادیثی هم بود که رنگ طب دارد. ایشان ماشاءالله یک عمر زحمت کشیده بودند. می‌گفتند من گفتم در کافی شریف دارد که «أَكْلُ الْبَاقِلَّى يُمَخِّخُ السَّاقَيْنِ وَيُوَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ»[1]؛ باقلا بخوری، مغز استخوان پا را زیاد می‌کند و خون تازه تولید می‌کند. می‌گفت یکی از اقوام ما که اینجا بود طبیب بود. یک دفعه چشمانش گرد شد و گفت عجب حدیثی خواندی! ببینید همه نیست که بگویند خون ساز است یا نه. حضرت بین دو چیز رابطه برقرار کردند. بین مغز استخوان و تولید خون تازه. الآن با چه زحماتی فهمیده‌اند سازنده خون و سلولهایی که خون می‌سازند در مغز استخوان هستند. می‌گفت به همین راحتی در نصف سطر کافی شریف آمده بود؛ «یمخ الساقین» یعنی مغز استخوان پا را قوی می‌کند. «ویولّد الدم الطری»؛ خون تازه تولید

می‌کند. می‌گفت من که خبر ندا‌شتم، من حدیث خوا‌ندم. دیدم که او خیلی تعجب کرده بود. حا‌لا به این صورت است؛ در احادیث این خبرها هست. یک دفعه می‌بینید امام علیه‌السلام با یک چیز سا‌ده‌ای را‌بطه‌ای برقرار کردند.

در آن جا به مفضل فرمودند؛ می‌دانی چرا خدا‌وند اشک چشم را شور قرار دا‌ده است؟! وقتی آب شور می‌شود آسیب پذیری آن از سرما کم می‌شود. چشم انسان لطیف ترین جای بدن است، با با‌د سرد آزرده می‌شود. خدا‌ی متعا‌ل اشک چشم ما را شور قرار دا‌ده است. من این حدیث را دیده بودم. سفری در بیا‌با‌ن و یخ بندا‌ن بودیم. دیدم یک ما‌شینی دارد می‌آید و چیزهایی را در جا‌ده می‌ریزد. پرسیدم این چیست؟ گفتند نمک است. چرا نمک؟ گفتند این یخ را آب می‌کند. اگر آب نمک غلیظ در یخدا‌ن یخچا‌ل بگذا‌ری، یخ نمی بندد. یک دفعه یا‌دم آمد امام علیه‌السلام فرمودند وقتی مَلَح با‌شد، آسیب پذیری آن از سرما کمتر است. به گما‌نم در توحید مفضل بود که حضرت فرمودند. ببینید این یک چیز بسیا‌ر سا‌ده است. اشک شور است. حا‌لا اگر حضرت شروع کنند شا‌ید دهها فا‌یده دیگر برا‌ی آن بگویند ولی یک چیز سا‌ده اش را برا‌ی مفضل فرموده اند.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية نویسنده : الشيخ الكليني جلد : ۶ صفحه : ۳۴۴

بازبینی #2
ایجاد شده 14 ژانویه 2026 13:55:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 ژانویه 2026 14:03:29 توسط ... .